

## همگام ساختن قراردادهای یکپارچه‌سازی منابع نفتی همجوار داخلی با الزامات حقوق ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲

لعیا جنیدی<sup>۱</sup>

سید فریدالدین طباطبایی ستوده<sup>۲</sup>

### چکیده

اتخاذ رویکرد ترکیبی در قراردادهای بالادستی نفت و گاز ایران یا به عبارت دیگر ادامه یافتن حضور قراردادی پیمانکار پس از مرحله اکتشاف و توسعه به مرحله تولید از یک سو و برقراری نسبت مستقیم میان عواید پیمانکار و سطح تولیدات میدان از سوی دیگر می‌تواند شرایطی را فراهم آورد که در آن، پیمانکاران نواحی قراردادی همجوار در مواجهه با کشف منبع نفتی مشترک میان نواحی قراردادی اقدام به رقابت در برداشت هرچه بیشتر از مخزن نمایند. رویارویی دولت‌ها با مشکلات اقتصادی و زیست‌محیطی ناشی از چنین رقابت‌هایی، موجبات تدوین مقرراتی در خصوص یکپارچه‌سازی نواحی همجوار قراردادی و به تبع آن فراگیری قراردادهای یکپارچه‌سازی و عملیات یکپارچه در این عرصه را فراهم آورده است. الگوی قراردادی تعریف‌شده از سوی انجمن مذاکره‌کنندگان بین‌المللی نفت را می‌توان تلاشی برای جمع‌آوری رویه‌های حاکم بر تنظیم این قراردادها به منظور تدوین یک قرارداد نمونه استاندارد دانست. کاربری این الگوی قراردادی در ایران مستلزم رعایت الزامات حقوق ملی از جمله قواعد امره حقوق قراردادهاست که از این منظر پذیرش امکان انعقاد آن در نگاه نخست با تردیدهایی همراه است. تحلیل حقوقی موارد چالش‌برانگیز نشان می‌دهد که با رعایت برخی تمهیدات که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود می‌توان قراردادهای یادشده را با الزامات حقوق ایران همگام نمود.

**واژگان کلیدی:** بازتعیین سهم مشارکت قطعه، تعیین سهم مشارکت قطعه، قاعده حیازت، قرارداد عملیات یکپارچه، قرارداد یکپارچه‌سازی، منطقه قراردادی.

۱. دانشیار دانشگاه تهران، ایران  
joneidi@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی پردیس کیش دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
s.f.tabatabayi@ut.ac.ir

۱. دانشیار دانشگاه تهران، ایران  
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی پردیس کیش دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول)

## مقدمه

کشورهای نفت خیز عموماً علاقه مند هستند تا برای بهره مند شدن از امکانات سرمایه‌ای و فنی شرکت‌های توانمند در عرصه عملیات بالادستی نفت و گاز، استخراج از میدان‌های نفتی خود را به این شرکت‌ها واگذار نمایند. تقسیم مناطق نفت خیز به بلوک‌های اکتشافی از سوی دولت‌ها این امکان را به وجود می‌آورد که در سایه انعقاد قراردادهای بالادستی بلندمدت با پیمانکاران، نواحی قراردادی مختلفی شکل بگیرد. دولت به عنوان کارفرما از یک سو و کنسرسیومی از شرکت‌های بین‌المللی نفتی به عنوان پیمانکار از سوی دیگر، طرفین این قراردادها هستند که به همکاری جهت اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از ذخایر موجود در هر ناحیه قراردادی می‌پردازند.

از آنجا که داده‌های به دست آمده از مطالعات زمین‌شناسی در هنگام تقسیم‌بندی بلوک‌ها از قطعیت برخوردار نیست، در روند اجرای پروژه امکان کشف یک یا چند مخزن مشترک نفتی که بخش سطحی هریک از آنها در نواحی قراردادی جداگانه ولی همجوار واقع شده باشد متصور است. در چنین شرایطی، از نظر فنی و با توجه به پیچیدگی ساختار منبع هیدروکربنی، کنترل بهینه پروژه توسعه و تولید از یک مخزن و ذخایر آن به گونه‌ای است که می‌بایست به آن به عنوان یک مجموعه واحد نگریسته شود.

پیدایش موافقت‌نامه‌های یکپارچه‌سازی و عملیات یکپارچه و نیز قوانین و مقررات ناظر بر آن در ایالات متحده آمریکا و تسری آن به سایر کشورهای نفت خیز، نتیجه تلاش برای انطباق رویکرد حقوق با الزامات فنی و طبیعت مخزن به عنوان یک ساختار یکپارچه است.

پیشگیری از پیامدهای منفی رقابت میان نواحی قراردادی همجوار در تخلیه مخزن مشترک و نیز دستیابی به مزایای فراوان یکپارچه‌سازی سبب شد تا به مرور قراردادهای یکپارچه‌سازی به عنوان راهکاری مطلوب در مواجهه با مقوله اشتراک مخازن جایگاه خود را در فضای بین‌المللی حقوق نفت و گاز باز کند. قرارداد نمونه<sup>۳</sup> منتشر شده از سوی انجمن مذاکره‌کنندگان نفتی<sup>۴</sup> (AIPN) با عنوان «موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی و عملیات یکپارچه»

3. AIPN Model Form International Unitization and Unit Operating agreement 2006.

4. Association of International Petroleum Negotiators.

جایگاه این قراردادها را در نظام فراملی و حقوق عرفی نفت نمایان می‌سازد. در طراحی این نمونه قرارداد تلاش شده است با درج شروط اختیاری و جایگزین، امکان مطابقت بیشتری با الزامات حقوقی کشورهای مختلف فراهم شود. از سوی دیگر، همان‌طور که خواهیم دید، رویکرد مالی قراردادهای جدید نفتی ایران<sup>۵</sup> (IPC) اقتضائاتی دارد که در صورت اکتشاف منبع مشترک فی‌مابین دو ناحیه قراردادی همجوار زمینه رقابت بین پیمانکاران را فراهم می‌آورد و عدم پیش‌بینی تمهیدات لازم جهت یکپارچه‌سازی در مواقع لزوم می‌تواند تحمیل آثار مخرب ناشی از این رقابت را در پی داشته باشد. به همین منظور، تهیه چارچوب یک قالب مشارکتی منطبق با الزامات و قوانین امری حقوق ایران به‌منظور یکپارچه‌سازی نواحی قراردادی همجوار که در عین حال، استانداردهای شناخته‌شده بین‌المللی موجود در نمونه قرارداد منتشرشده از سوی انجمن مذاکره‌کنندگان بین‌المللی نفت را نیز دارا باشد کاملاً محسوس است.

برخی از مسائل حقوقی مانند تفاوت حقوق متصوره برای پیمانکار نسبت به مالکیت نفت در نظام‌های حقوقی مختلف و نیز جهل ابتدایی نسبت به سهم مشارکت هر قطعه و انعکاس آن در قرارداد نمونه منتشره از جانب انجمن مذاکره‌کنندگان نفتی ممکن است در نگاه نخست با برخی از مقررات آمره در نظام حقوق ملی ایران سازگار به‌نظر برسد. از این رو، ارائه پاسخ تحلیلی به این سؤال که «آیا نمونه قرارداد یکپارچه‌سازی و عملیات یکپارچه‌تعارف‌شده از سوی انجمن مذاکره‌کنندگان نفتی (AIPN) می‌تواند با رعایت تعدیل‌هایی، انطباق لازم با قواعد امری حقوق ایران داشته باشد؟» به‌عنوان پرسش اصلی تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. اینکه «ناسازگاری‌های میان قرارداد نمونه و قواعد امری حقوق ایران چیست؟» و «چه تعدیلاتی در خصوص رفع این ناسازگاری‌ها می‌بایست در مقام تعدیل قرارداد نمونه اعمال شود؟» نیز به‌عنوان سؤالات فرعی این پژوهش بررسی خواهد شد. بر این اساس، ساختار مقاله در ابتدا با تبیین مقدمات تاریخی و فنی لازم شکل می‌گیرد و سپس تسری موضوع از خاستگاه آن به حقوق کشورهای دیگر، ایران و حقوق عرفی بین‌الملل مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. در مرحله بعد با اشاره به نبود سابقه تنظیم

قراردادهای ناظر بر یکپارچه‌سازی و عملیات یکپارچه در ایران به لزوم تدوین چارچوب آن در ایران به صورت هماهنگ با استانداردهای بین‌المللی و به تبع آن، لزوم قرابت با قرارداد نمونه تنظیمی از سوی انجمن مذاکره‌کنندگان نفتی می‌پردازیم و در آخر برای یافتن پاسخ تحلیلی به سؤالات تحقیق، بخش‌های چالش‌برانگیز در تشکیل این قراردادها را از منظر حقوق قراردادهای ایران مورد تطبیق و تحلیل قرار خواهیم داد.

لازم به تذکر است، مباحث پیرامون میدان‌های مشترک بین ایران و کشورهای همسایه در این پژوهش مورد بررسی قرار نمی‌گیرد و تحقیق صرفاً بر یکپارچه‌سازی بلوک‌های اکتشافی همجوار داخلی تمرکز دارد.

## ۱. پیدایش یکپارچه‌سازی و تاریخچه تکامل آن

استقرار ذخایر نفت و گاز در تعادل پیچیده‌ای از فشار سنگ، گاز و آب زیرزمینی به صورت طبیعی مهار شده است. از این رو، استخراج گاز طبیعی یا نفت در یک نقطه به‌ناچار شرایط موجود در کل ذخیره نفتی را تغییر می‌دهد<sup>۶</sup> و موجب حرکت هیدروکربن‌ها از بخش پرفشار به سمت چاه‌های حفاری شده (به‌عنوان بخش کم‌فشار) و سپس از طریق آنها به سمت سطح زمین می‌گردد. همین ویژگی مهاجرتی نفت و گاز که از آن به‌عنوان «ویژگی گریزگری»<sup>۷</sup> تعبیر می‌شود، عامل اصلی مدیریت و برنامه‌ریزی در مراحل توسعه و تولید این ماده معدنی است؛ چراکه این ساختار مرکب از ذخایر پرفشار و مهارشده، این قابلیت را دارد تا بسته به کیفیت کنترل و مدیریت آن، پاسخی مطلوب یا نامطلوب به بهره‌برداری از آن بدهد. پذیرش این واقعیت علمی طلب می‌کند تا طرح توسعه و بهره‌برداری از میدان به صورت یکپارچه و از جانب عاملیتی واحد صورت پذیرد؛ هرچند که اراضی واقع بر آن از نظر مالکیت یا حقوق قراردادی در اختیار اشخاص مختلفی باشد.

در آغاز شکل‌گیری صنعت نفت در کشور ایالات متحده آمریکا به‌عنوان کشور پیش‌گام در تاریخ تولید تجاری نفت، واقعیت علمی مورد اشاره در بحث ساختار مخازن هیدروکربنی

6. Ong, David M. "Joint Development of Common Offshore Oil and Gas Deposits: 'Mere' State Practice or Customary International Law?" *The American Journal of International Law*, no. 4 [1999] 4, p. 778.

7. Fugacious Characteristic.

شناخته شده نبود. از زمانی که نخستین چاه در سال ۱۸۵۹ در ایالت پنسیلوانیا حفاری شد، اصل مالکیت مطلق موجب تبعیت مالکیت منابع هیدروکربنی از مالکیت اراضی واقع بر فراز آن و ایجاد نظام مالکیت خصوصی منابع نفت و گاز در اراضی غیرفدرال این کشور شد.<sup>۸</sup> اما این اصل به دلیل ویژگی‌گریزگری نفت برای تعیین حقوق منابع هیدروکربنی مناسب نبود. زیرا ماهیت ناپایدار نفت در شرایطی که مخزن نفتی در زیر چندین قطعه با مالکیت‌های مختلف قرار داشت امکان استخراج آن را از جانب مالک اراضی همجوار فراهم می‌کرد<sup>۹</sup> و تعیین اینکه حجم مشخصی از گاز یا نفت تولیدشده از زیر همان قطعه زمین یا زمین مجاور گرفته شده است، دشوار بود؛ به همین جهت دادگاه‌ها قاعدهٔ حیازت<sup>۱۰</sup> را برای تعدیل اصل مالکیت مطلق توسعه دادند<sup>۱۱</sup>. رأی دادگاه عالی ایالت پنسیلوانیا در سال ۱۸۸۹ در تبیین این قاعده به صراحت عنوان داشت: «هرگاه مالک همجوار به حفاری در اراضی خود بپردازد و در این راستا نفت یا گاز از زیر ملک مجاور به چاه او سرازیر می‌شود، تحت کنترل و مالکیت او خواهد بود و دیگر در مالکیت صاحب قبلی نیست»<sup>۱۲</sup>.

قاعدهٔ حیازت بر این اساس سبب شد که چاه‌ها به‌طور معمول در مرز یک قطعه یا در نزدیکی آن حفاری شوند تا نفت و گاز بیشتری را از ذخایر زیرزمینی نواحی مجاور استخراج کنند. این کار به‌نوبهٔ خود سبب ترغیب مالکان نواحی مجاور برای نشان دادن رفتار مشابهی می‌شد تا برداشت بیشتر را در این رقابت دنبال کنند<sup>۱۳</sup>. این فعالیت مخرب با روش مناسب مدیریت میدان نفتی مطابقت نداشت و منجر به تکثیر سرمایهٔ خرج‌شده، مدیریت ضعیف مخزن، ناکامی در بازیابی ثانویه و درنهایت استخراج نفت کمتر شد<sup>۱۴</sup>.

۸ اصل مالکیت مطلق که «اصل بهشت تا جهنم» نیز نامیده شده است به این معناست که صاحب مجموعه‌ای از حقوق قانونی که ما آن را «مالکیت» ملک می‌نامیم، همه چیز از آسمان‌ها تا سطح زمین و همین‌طور از سطح زمین تا اعماق زمین را در تملک دارد. Lowe, John S. "Oil and Gas Law in a Nutshell", 6th Edition, Kindle Edition, West Academic Publishing (2014), p. 12.

9. ST. Macdonald "An analysis of the efficacy of the Texas and Oklahoma Unitization Statutes" [tесе]. Dallas: The University of Texas; (2000), Chapter 4, p. 34.

10. The Rule of Capture.

11. Lowe, John S. *op.cit.*, p13.

12. Westmoreland & Cambria Natural Gas Co. v. De Witt, 18 A. 724, 725 (Pa. 1889).

13. J Lowe, O Anderson, E Smith and D Pierce, "Cases and Materials on Oil and Gas Law" (4th edn, 2002). Christopher S Kulander Publisher, p. 786.

14. Libecap, Gary D. & Wiggins, Steven N. "Oil field unitization: Contractual Failure in the Presence of Imperfect Information", *American Economic Review*, Vol. 75, No. 3 (Jun., 1985), pp. 368-385.

پیامدهای منفی ناشی از رقابت در استخراج منابع مشترک سبب شد تا قانون‌گذاران ایالتی با وضع مقرراتی نظیر فاصله‌گذاری بین چاه‌ها و تراکم آنها، مقررات ناظر بر درنظر گرفتن حداکثر نرخ کارا<sup>۱۵</sup> (MER)، محدودیت‌های تولید، و تجمیع در جهت اعمال محدودیت بر قاعده‌حیازت، نسبت به‌هدر رفتن تولید نفت واکنش نشان دهند. با وجود این، روش‌های تنظیمی چاه به چاه در عمل موفقیت‌آمیز نبود<sup>۱۶</sup> تا اینکه در سال ۱۹۴۵، ایالت اوکلاهما نخستین قانون یکپارچه‌سازی اجباری را تصویب کرد. هیچ‌یک از مقررات وضع‌شده تا قبل از تصویب مقررات ناظر بر یکپارچه‌سازی اجباری، نتوانست به‌طور کامل عنصر مخرب رقابت را در انگیزه تولیدکنندگان قطعات همجوار حذف کند<sup>۱۷</sup>. کارکرد مطلوب یکپارچه‌سازی در صیانت از منابع باعث شده امروزه به استثنای ایالت‌های پنسیلوانیا و تگزاس تقریباً هر ایالت تولیدکننده عمده نفت و گاز از قانون یکپارچه‌سازی اجباری برخوردار باشد<sup>۱۸</sup>.

## ۲. تسری یکپارچه‌سازی و قراردادهای ناظر بر آن به خارج از ایالات متحده آمریکا

رقابت در برداشت هیدروکربن بین نواحی همجواری که بخشی از اراضی آنها بر فراز یک مخزن قرار دارد صرفاً به کشور ایالات متحده آمریکا اختصاص ندارد. ظهور پیامدهای منفی ناشی از این رقابت، همان‌طور که گفته شد، بر اساس مغایرت با لزوم مدیریت یکپارچه مخزن ارزیابی می‌شود و منحصر به کشور آمریکا نیست. هرچند برخلاف سایر نظام‌های حقوقی دنیا، مالکیت خصوصی بر منابع نفتی در این کشور وجود دارد، اما فارغ از بحث مالکیت، همین که ترتیبات قرارداد بالادستی به‌گونه‌ای باشد که منفعت بیشتر پیمانکار در ازای تولید بیشتر باشد، مشکل رقابت نواحی همجوار در شرایطی که مخزنی مشترک در زیر نواحی ایشان کشف شود وجود خواهد داشت.

15. Maximum Efficient Rate.

16. Gideon. Wiginton, "Addressing Perceptions of Procedural Unfairness in Compulsory Unitization by Appointing Neutral Experts." *American University Law Review* 55, No. 6 (August 2006), p. 1809.

17. Bruce M. Kramer & Patrick H. Martin, "The Law of Pooling and Unitization", *LexisNexis*, (3d ed. 2017), Vol. 1, Chapter 2: The Rule of Capture. § 2.02.

18. *Ibid*, §18.01.

مسائلی مانند وارد شدن شرکت‌های نفتی جدید به عرصه بین‌الملل و رقابت ایشان با شرکت‌های بزرگ نفتی که مدت‌ها بازارهای جهانی را در اختیار داشتند برای انعقاد قرارداد با کشورهای صاحب منابع هیدروکربنی و به تبع آن، کوچک و کوچک‌تر شدن بلوک‌های اکتشافی که از سوی دولت‌های میزبان ارائه می‌شدند برای کسب حداکثر سود در هنگام امضای قرارداد با انعقاد قراردادهای بیشتر با پیمانکارانی که برای انعقاد قرارداد با یکدیگر رقابت می‌کردند<sup>۱۹</sup>، منجر به آن شد که تعداد فزاینده‌ای از مخازن در نقاط خارج از ایالات متحده آمریکا کشف شوند که شامل مناطقی با مجوزهای متعدد بوده، است، به گونه‌ای که زمین‌های این مخازن میان پیمانکاران مختلفی تقسیم شده بود<sup>۲۰</sup>.

پیشگیری از بروز رقابت و پیامدهای منفی آن بر درآمدهای نفتی کشورها و نیز مزیت‌های یکپارچه‌سازی در کاهش هزینه‌ها و افزایش عواید پیمانکاران موجب شد تا دست‌اندرکاران صنعت نفت و گاز با رویکرد جایگزین کردن مشارکت و همکاری به جای رقابت، نسبت به هم‌راستا کردن منافع پیمانکارانی که گستره ناحیه قراردادی آنها بر فراز یک منبع مشترک قرار گرفته بود، اقدام نمایند. این رویکرد سبب شد تا گرایش به انعقاد قرارداد یکپارچه‌سازی به‌عنوان ابزار حقوقی اجرای این فرایند و به صورت یک رویه بین‌المللی متداول گردد و وضع مقررات ناظر بر یکپارچه‌سازی اجباری مورد استقبال دولت‌ها قرار گیرد<sup>۲۱</sup>.

### ۳. یکپارچه‌سازی نواحی قراردادی در ایران

روابط قراردادی بین پیمانکار و کارفرما مطابق با عرف رایج در عرصه بین‌المللی قراردادهای بالادستی نفت و گاز عموماً سه مرحله اکتشاف، توسعه و تولید را شامل می‌شود.

19. Sandoval Amui & Marianne L. R. Melo, "Unitization of Oil and Gas Reservoirs", AIPN Advisor, No. 231, (May 2003), p. 8 and p.15.

نویسندگان در صفحات یادشده به این واقعیت پرداخته‌اند که کوچک‌تر شدن بلوک‌ها در مناطق نفت‌خیز کشور برزیل در پی تغییرات متأخر در مقررات، سبب بالا رفتن احتمال نیاز به یکپارچه‌سازی شده است.

20. Jacqueline Weaver & David Asmus, "Unitizing Oil and Gas Fields Around the World: A Comparative Analysis of National Laws and Private Contracts", University of Houston, Public Law and Legal Theory Series (2006), p. 10.

21. *Ibid*, p. 34-35.

با این حال، به دلالت قانون نفت ایران (مصوب ۱۳۵۳)، فعالیت پیمانکار صرفاً مراحل اکتشاف و توسعه را دربر دارد و مرحله تولید از شمول تعهدات پیمانکار خارج است. بند ۱ از ماده ۱۴ این قانون تصریح دارد که با آغاز تولید تجاری هر میدان، میدان یادشده از ناحیه قرارداد تفکیک می‌شود و قرارداد پیمانکاری که به موجب ماده ۱۱ این قانون پیش‌بینی شده است نسبت به آن میدان خاتمه می‌یابد. در این قراردادها پیمانکار پس از تحقق تولید تجاری موظف است پروژه را برای بهره‌برداری به شرکت ملی نفت ایران تحویل نماید.<sup>۲۲</sup> در این وضعیت حتی اگر در طول مراحل اجرای پروژه مشخص شود که گستره یک یا چند مخزن در اعماق زمین از مرزهای ناحیه قراردادی عبور کرده و وارد ناحیه قراردادی همجوار شده است، عدم حضور پیمانکار در مرحله تولید سبب می‌شود امکان رقابت وی با ناحیه همجوار برای استخراج هیدروکربن‌های مخزن مشترک متصور نباشد.

انحصار قرارداد به مراحل اکتشاف و توسعه و عدم حضور پیمانکار در مرحله تولید براساس قوانین ایران تا پایان دوره حاکمیت نسل‌های سه‌گانه قراردادهای بیع متقابل ادامه یافت. اما ظهور قراردادهای نفتی جدید موسوم به «IPC» که در مرداد ماه ۱۳۹۵ ضمن تصویب «شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی ایران» از سوی هیئت وزیران موضوعیت یافت، شرایط پیش‌گفته را دگرگون ساخت و امکان انعقاد قراردادهای بلندمدت با اضافه شدن مرحله تولید به مراحل قبلی در قرارداد فراهم گردید.<sup>۲۳</sup>

### ۳.۱. امکان ایجاد رقابت به‌عنوان عامل محرک اقدام به یکپارچه‌سازی در ایران

علاوه بر حضور پیمانکار در مرحله تولید، یکی دیگر از نوآوری‌های قراردادهای نفتی جدید، مقرر نمودن دستمزدی برای پیمانکار است که میزان آن رابطه مستقیم با سطح تولید دارد. به دلالت بند «ع» ماده ۱ و بندهای «ب» و «پ» ماده ۶ «شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی ایران» حق‌الزحمه پیمانکار بر پایه میزان تولید محقق شده از

۲۲. عبدالحسین، شیروی، حقوق نفت و گاز، (تهران: میزان، چ ۱، ۱۳۹۳)، ص ۱۴۶.

۲۳. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، مورخ ۱۹ مرداد ۱۳۹۵، تصویب‌نامه شماره ۵۷۲۲۵/ت۵۳۳۶۷ مورخ ۱۳۹۵/۵/۱۶ هیئت وزیران، ماده ۲- بند الف مقرر می‌دارد:

«... واگذاری عملیات توسعه و بهره‌برداری، به صورت پیوسته با عملیات اکتشاف در صورت کشف میدان یا مخزن تجاری توسط طرف دوم قرارداد و با در نظر گرفتن برنامه‌های برداشت صیانتی از مخازن نفت و گاز مجاز است ...».



میدان و به صورت فی در هر بشکه و در هر دوره تعیین می‌شود. فارغ از مزایای این تغییر رویکرد در ایجاد انگیزه پیمانکار به منظور تلاش و برنامه‌ریزی برای بالا رفتن سطح تولید از میدان، توجه به این نکته لازم است که همین انگیزه در صورت کشف مخزن یا مخازن مشترک بین دو یا چند ناحیه قراردادی، موجبات رقابت پیمانکاران در برداشت هر چه بیشتر و سریع‌تر از مخزن مشترک را فراهم می‌آورد. بنابراین حضور پیمانکار در مرحله تولید و وجود محرک انگیزشی در ایجاد رقابت در برداشت بیشتر از منبع نفتی مشترک می‌تواند در غیاب مقررات ناظر بر یکپارچه‌سازی اجباری، آثار مخرب پیش‌گفته را به همراه داشته باشد.

### ۲.۳. شروط ناظر بر یکپارچه‌سازی در قراردادهای جدید ایران (IPC)

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، تمام ایالت‌های تولیدکننده نفت در امریکا به‌جز ایالت‌های تگزاس و پنسیلوانیا دارای قوانین اجباری برای یکپارچه‌سازی هستند. وضع این دسته از مقررات به دلیل غلبه بر موانع احتمالی عدم توافق میان دارندگان حقوق معدنی و مستأجران قطعات مختلف است. این الگو در سطح بین‌المللی تکرار می‌شود و به‌نظر می‌رسد فرایند اجباری که ابزاری کمکی برای تلاش‌های داوطلبانه ناموفق در یکپارچه‌سازی است به یک ضرورت تقریباً جهانی تبدیل شده است.<sup>۲۴</sup>

مطالعه تطبیقی مقررات ناظر بر یکپارچه‌سازی نشان می‌دهد با توجه به عدم استقبال شرکت‌های پیمانکار نسبت به مداخله دولت‌ها در تمام جزئیات قراردادی، دولت‌ها عموماً با وضع مقررات کلی و در اختیار گرفتن حق تشخیص لزوم یکپارچه‌سازی، از طرف‌های دخیل در این فرایند انعقاد قرارداد را طلب می‌کنند، اما ایشان را نسبت به مذاکره در مورد جزئیات آن آزاد می‌گذارند. بنابراین، شایسته آن است که چارچوب معمول یکپارچه‌سازی به‌عنوان «یکپارچه‌سازی اجباری با شرایط اختصاصی آزاد» توصیف شود.<sup>۲۵</sup>

هرچند هنوز در ایران به‌طور رسمی مقررات ناظر بر یکپارچه‌سازی داخلی وضع نشده است، اما در پی تصویب‌نامه هیئت وزیران در خصوص شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز، وزارت نفت به تهیه پیش‌نویسی از قرارداد نفتی ایران

24. Jacqueline Weaver & David Asmus *op.cit.* p. 34.

25. *bid.*, pp. 34-35.

(IPC) اقدام نمود. در نسخه‌ای که به صورت غیررسمی منتشر شد، بندهای ۲۰ تا ۲۳ ماده ۱۶ از پیش‌نویس یادشده به لزوم یکپارچه‌سازی در صورت کشف میدان یا ساختار نفتی مشترک اختصاص یافته که مفاد آن از این قرار است:

«در خصوص همه میدان‌ها یا ساختار مشترکی که به‌عنوان میدان جدیدی برای عملیات نفتی تشخیص داده شده‌اند یا در حال حاضر تحت عملیات نفتی از طرف دیگر (طرف مجاور) می‌باشند، شرکت ملی نفت ایران ممکن است بر اساس نظر کمیته مشترک مدیریت از پیمانکار بخواهد برنامه کاری برای یکپارچه‌سازی مشترک با طرف مجاور را - که منوط به بررسی و تأیید شرکت ملی نفت ایران خواهد بود - تهیه نماید» (بند ۲۰ ماده ۱۶).

سپس بند ۲۱ از ماده ۱۶ پیمانکار را ملزم می‌کند طرح یکپارچه‌سازی را بر اساس اصول، رویه‌ها، دستورالعمل‌ها و حدود تعیین‌شده میدان از سوی شرکت ملی نفت ایران تهیه نماید. همچنین، همکاری با طرف ثالث در طرح یکپارچه‌سازی یا عدم توفیق در این زمینه مانع از این نخواهد شد که شرکت ملی نفت ایران به‌طور مستقیم با شخص ثالث به‌منظور توسعه و عملیات مشترک میدان به مذاکره بپردازد (بند ۲۲ ماده ۱۶) و اگر مذاکره با شخص ثالث به نتیجه برسد، پیمانکار به ادامه عملیات بر اساس آن ملزم می‌شود در غیر این‌صورت باید عملیات نفتی در میدان را ترک کند (بند ۲۳ ماده ۱۶).<sup>۲۶</sup>

فارغ از اختصار و اجمال مقررات، مفاد پیش‌نویس گویای این است که ترتیبات «یکپارچه‌سازی اجباری با شرایط اختصاصی آزاد» مطابق با آنچه در عرف بین‌الملل وجود دارد مورد نظر دست اندرکاران حوزه تدوین مقررات نفت و گاز است.

انعقاد قراردادهای یکپارچه‌سازی و عملیات یکپارچه در نواحی قراردادی داخل ایران سابقه ندارد، زیرا با توضیحات پیش‌گفته، تا پیش از پیدایش قراردادهای «IPC» عامل محرک یکپارچه‌سازی یعنی ریسک رقابت پیمانکاران در استخراج نفت، زمینه ظهور و بروز نداشت. از این رو، شروط مختصر اشاره‌شده در بندهای چهارگانه ماده ۱۶ از پیش‌نویس

<sup>۲۶</sup>. به نقل از:

جواد، کاشانی، و توحید، قلی‌زاده، «یکپارچه‌سازی منابع مشترک نفت و گاز در الگوی جدید قراردادهای نفتی ایران»، پژوهش حقوق خصوصی، ش ۲۳ (۱۳۹۷) ص ۱۷۳.

غیررسمی «IPC» را می‌بایست گام‌های ابتدایی برای پرداختن به این مقوله در تدوین حقوق نفت و گاز ایران ارزیابی کرد.

الزام پیمانکار به تهیه طرح یکپارچه‌سازی بر اساس اصول، رویه‌ها و دستورالعمل‌های تعیین شده از سوی شرکت ملی نفت ایران، مطابق مفاد بند ۲۱ از ماده ۱۶ پیش‌نویس، در آغاز کار مستلزم تدوین چنین اصول و رویه‌هایی است. چراکه طبیعتاً شرکت ملی نفت به‌عنوان کارفرما در صورت تأیید طرح و برنامه کاری یکپارچه‌سازی، برای عملیاتی شدن آن می‌بایست طرفین را به استناد بند ۲۱ ماده ۱۶ پیش‌گفته، ملزم به انعقاد قرارداد یکپارچه‌سازی و عملیات یکپارچه نماید. هرچند به‌صراحت کلمه قرارداد یا موافقت‌نامه در این ماده دیده نمی‌شود و به الفاظ «مذاکره» و «همکاری» در نگارش ماده بسنده شده است، اما تحقق فرایند یکپارچه‌سازی میان پیمانکاران بر اساس آنچه به‌طور مفصل به آن پرداخته شده، با انعقاد قرارداد یکپارچه‌سازی و عملیات یکپارچه (UUOA)<sup>۲۷</sup> مقذور است و رویه حاکم در عرصه بین‌الملل چیزی جز این نیست. آنچه در این راستا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، متابعت این قرارداد از استانداردهای پذیرفته‌شده بین‌المللی و نیز قواعد امری حقوق موضوعه ایران است.

#### ۴. لزوم هماهنگی مدل قرارداد یکپارچه‌سازی و عملیات یکپارچه (UUOA) ایرانی با استانداردهای پذیرفته‌شده بین‌المللی

یکی از وظایفی که در قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱ برعهده این وزارتخانه نهاده شده، به استناد جزء ۳ از بند «ت» ماده ۳ قانون یادشده، جذب و هدایت سرمایه‌های داخلی و خارجی به‌منظور توسعه میدان‌های هیدروکربوری با اولویت میدان‌های مشترک از طریق طراحی الگوهای جدید قراردادی است. در تحقق این مهم، شایان توجه این است که کشورهای صاحب نفت برای رقابت در جذب سرمایه‌گذاری خارجی ناگزیر از پذیرش هنجارها و استانداردهای بین‌المللی در این صنعت هستند.<sup>۲۸</sup> از دیرباز عمده سرمایه‌گذاران در حوزه نفت، شرکت‌های نفتی بین‌المللی بزرگی هستند که طبق قراردادها و

27. Unitization and Unit Operating Agreement.

۲۸. عبدالحسین، شیروی، پیشین، ص ۸۱.

امتیازنامه‌ها امکان سرمایه‌گذاری را در کشورهای صاحب نفت می‌یابند. این امتیازنامه‌ها و قراردادهای به‌رغم تنوع و تعدد از اصول و ضوابط فراملی و نسبتاً یکسانی پیروی می‌کنند که به آن «حقوق عرفی نفت» گفته می‌شود.<sup>۲۹</sup> حقوق عرفی نفت بر این ایده استوار است که قراردادهای نفتی نمی‌توانند مثل قراردادهای معمولی صرفاً تابع یک نظام ملی باشند، بلکه بیشتر تابع یک نظام حقوق عرفی و فرامرزی هستند<sup>۳۰</sup> و شامل قواعد، اصول و مقررات مشابه یا متحدالشکلی هستند که در سطح بین‌الملل مورد شناسایی قرار گرفته، به کار گرفته می‌شوند. اعتبار این مقررات لزوماً از نظام ملی خاصی نشئت نگرفته، ولی در نظام‌های گوناگون از سوی فعالان عرصه نفت و گاز معتبر شناخته شده است و مفاد آن رعایت می‌گردد. در این معنا، رویه‌ها و عرف‌های تجاری بین‌المللی، قراردادهای و شروط استاندارد تهیه‌شده از سوی سازمان‌های حرفه‌ای یا بین‌المللی و آرای داوری از جمله منابع حقوق عرفی نفت هستند.<sup>۳۱</sup> در این میان، سابقه پیدایش قراردادهای ناظر بر یکپارچه‌سازی و تسری آن به نقاط مختلف دنیا نیز رویه‌هایی را به‌وجود آورده است که برای طراحی یک قرارداد در یک نظام حقوقی خاص نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. انجمن مذاکره‌کنندگان بین‌المللی نفت و گاز (AIPN) با درنظر گرفتن رویه‌های استاندارد حاکم در این عرصه، فرم قرارداد نمونه برای یکپارچه‌سازی و عملیات یکپارچه را در سال ۲۰۰۶ منتشر نمود. در ابتدای راهنمای این مدل فرم<sup>۳۲</sup> تصریح شده است که اعضای انجمن برای تهیه این قرارداد نمونه تلاش کرده‌اند تا حداکثر انعطاف‌پذیری جهت هماهنگی با موقعیت‌های مختلف و نظام‌های حقوقی متنوع فراهم شود. این نمونه قرارداد که با پیش‌فرض قراردادهای مشارکت در تولید، به‌عنوان قرارداد اصلی میان هریک از پیمانکاران با کارفرما آماده شده، با درج شروط اختیاری و جایگزین این امکان را به‌وجود آورده تا در صورتی که رابطه پیمانکار و کارفرما منطبق با سایر قراردادهای متداول بالادستی مانند قراردادهای امتیازی، اجاره و خدمت باشد نیز برای یکپارچه‌سازی بتوانند از آن بهره‌مند شوند. این الگوی قراردادی که

۲۹. پیشین، ص ۸۲.

۳۰. پیشین، ص ۱۰۱.

۳۱. پیشین، ص ۱۰۲.

32. Guidance Notes to AIPN Model Form International Unitization and Unit Operating Agreement 2006. P. 1.

اکنون در نقاط مختلف دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد<sup>۳۳</sup>، با توجه به دارا بودن ظرفیت‌های بالا جهت تعدیل با حقوق ملی کشورهای مختلف و نیز شناسایی و به‌کارگیری رویه‌های استاندارد و متداول یکپارچه‌سازی در سراسر جهان می‌تواند الگوی مناسبی برای طراحی نمونه ایرانی باشد. البته فارغ از جایگزینی و تکمیل شروط اختصاصی که به تناسب هر مورد قراردادی با مذاکرات بین طرفین مشخص می‌شود، الزامات حقوق ایران مانند قواعد امره به‌ویژه قواعد امری حقوق قراردادهای و قوانین ناظر بر مالکیت نفت بایستی در تعدیل قرارداد نمونه مزبور مراعی باشد تا قرارداد علاوه بر دارا بودن استانداردهای بین‌المللی از اعتبار لازم از منظر حقوق ایران نیز بهره‌مند باشد.

## ۵. جنبه‌های حقوقی تشکیل قرارداد یکپارچه‌سازی و عملیات یکپارچه (UUAO) از منظر حقوق قراردادهای ایران

قانون حاکم از یک جهت مفاد قرارداد را کنترل کرده، اجازه نمی‌دهد طرفین برخلاف مقررات امری آن توافق نمایند و هرگاه چنین توافقی انجام شود آن را غیرمعتبر اعلام می‌دارد و از جهت دیگر خلأهای موجود در قرارداد را پر کرده، آن را تکمیل می‌نماید<sup>۳۴</sup>. حاکمیت حقوق قراردادهای بر نحوه تشکیل، آثار و انحلال قراردادهای میان اشخاص از جمله شرکت‌های پیمانکار دخیل در فرایند یکپارچه‌سازی، بخش مهمی از قانون حاکم بر قرارداد است که در طراحی قرارداد یکپارچه‌سازی و عملیات یکپارچه (UUAO) می‌باید مورد توجه قرار گیرد.

بخش اخیر ماده ۱ «شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی ایران» به‌صراحت قانون حاکم بر قراردادهای را قانون جمهوری اسلامی ایران عنوان کرده است. ماده

۳۳. برای مثال، بررسی متن قرارداد یکپارچه‌سازی و عملیات یکپارچه مربوط به میدان «Jubilee» در کشور غنا نشان می‌دهد این متن به‌طور کامل بر مدل ارائه‌شده از سوی انجمن مذاکره‌کنندگان نفتی منطبق است. برای مطالعه متن این قرارداد، نک: [https://www.sec.gov/Archives/edgar/data/1509991/000104746911001716/a2201620zex-10\\_6.htm](https://www.sec.gov/Archives/edgar/data/1509991/000104746911001716/a2201620zex-10_6.htm) برای مطالعه متن قرارداد نمونه «موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی و عملیات یکپارچه» منتشرشده از سوی انجمن مذاکره‌کنندگان نفتی (AIPN)، ر.ک.

<https://www.aipn.org/forms/store/ProductFormPublic/unitization-and-unit-operating-agreement-2006>

۳۴. عبدالحسین، شیروی، پیشین، ص ۵۰۶.

۳۷ پیش‌نویس «IPC» نیز مقرر نموده است: «این قرارداد، ضامم و اصلاحات آن باید تحت حاکمیت و توسط حقوق، قوانین و مقررات ایران در هر جنبه مورد نظارت، تفسیر، تشریح و اجرا قرار گیرند و هرگونه ادعا یا اختلاف مطابق با آن مورد حل‌وفصل قرار خواهد گرفت». از آنجا که قرارداد یکپارچه‌سازی و عملیات یکپارچه (UUOA) به قرارداد اصلی ملحق و جزء اصلاحیه‌های آن محسوب می‌شود طبیعتاً قانون حاکم بر آن نیز قوانین ایران، من جمله مقررات حقوق قراردادهای ایران خواهد بود.

#### ۵.۱. ارزیابی ساختار قرارداد یکپارچه‌سازی و عملیات یکپارچه (UUOA) از منظر حقوق قراردادهای

قرارداد نمونه انجمن مذاکره‌کنندگان نفتی (AIPN) برای یکپارچه‌سازی و عملیات یکپارچه، به‌عنوان یک نمونه قرارداد استاندارد و دارای ظرفیت بالای همگام شدن با قوانین ملی مختلف، دارای شروط و مقررات متنوعی است که بخشی از آن ناظر به ساختار حقوقی و تشکیل قالب مشارکتی است. جهت اعتبارسنجی این ساختار مشارکتی از منظر حقوق قراردادهای ایران، مفاد مرتبط با آن در قرارداد نمونه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بند ۱ ماده ۴ قرارداد نمونه، ذیل عنوان یکپارچه‌سازی حقوق و منافع مقرر نموده است:

«تمامی حقوق و منافع طرفین تحت قرارداد قطعه الف و قرارداد قطعه ب تا آنجایی که به بازه یکپارچه، مواد یکپارچه و انجام عملیات یکپارچه مربوط می‌شوند، بدینوسیله یکپارچه شده و مطابق شرایط این توافقنامه از تاریخ اجرا موثر می‌باشند».

سپس در بند ۲ از ماده ۴، تحت عنوان «تخصیص تولید و هزینه‌ها» مقرر گردیده که تمامی مواد یکپارچه که تولید و ذخیره می‌شوند به نسبت سهم مشارکت هر قطعه به آن اختصاص خواهد یافت. همچنین در ادامه این بند، تأمین هزینه‌های عملیات ناحیه یکپارچه را با همان نسبت سهم مشارکت قطعه برعهده طرفین قرار داده است.

قابلیت تعلق تعهدات و مالیات‌ها عنوانی است که بند ۳ از ماده ۴ نمونه قرارداد یادشده به آن اختصاص دارد و از این قرار است:

«الف- مواد ناحیه یکپارچه اختصاص داده شده به هر قطعه تحت بند ۲ ماده ۴، برای

اهداف محاسبه هیدروکربن هزینه و هیدروکربن سود تحت هر قرارداد، محاسبه مالیات درآمد، مالیات سود، مالیات تکلیفی و تمام مالیات‌های دیگر در خصوص هر طرف و هر قرارداد، محاسبه پاداش‌های تولید تحت هر قرارداد، تعیین تعهدات بازاریابی بومی در خصوص هر قرارداد، و تمام اهداف دیگر، به‌عنوان هیدروکربن تولیدشده و ذخیره‌شده تحت قرارداد مختص آن قطعه تلقی می‌شود، بدون درنظر گرفتن موقعیت دقیق چاهی که این مواد یکپارچه از آن تولید می‌شوند.

ب - مخارج حساب ناحیه یکپارچه که به طرفین مطابق با ماده ۴.۲ اختصاص داده شده به هر منظوری از جمله محاسبه هیدروکربن‌های هزینه و هیدروکربن‌های سود تحت هر قرارداد، محاسبه مالیات بر درآمد، مالیات بر سود، مالیات تکلیفی و سایر مالیات‌های مربوط به هر طرف و هر قرارداد و برای سایر اهداف، باید چنان تلقی شود که متعلق به قرارداد مربوط به آن طرف می‌باشد، بدون درنظر گرفتن محل واقعی عملیات یکپارچه که این هزینه‌ها به آن مربوط می‌شود».

ماده ۵ از قرارداد نمونه به تعیین و بازتعیین سهم مشارکت قطعه اختصاص دارد. در ابتدای این ماده درصد سهم هر قطعه و شرکت‌های احتمالی تشکیل‌دهنده کنسرسیوم ذیل آن مطابق با مندرجات جدولی در پیوست «الف» مورد ارجاع قرار گرفته است. اما ملاک تعیین سهم مشارکت قطعه به صورت اختیاری، یکی از موارد تخمینی پنج‌گانه مورد اشاره در بند ۵ از این ماده است. این موارد عبارت‌اند از:

۱- حجم ناخالص سنگ<sup>۳۵</sup>؛ ۲- حجم هیدروکربن منفذ<sup>۳۶</sup>؛ ۳- هیدروکربن در جای اولیه<sup>۳۷</sup>؛ ۴- حجم هیدروکربن قبل از جابه‌جایی<sup>۳۸</sup>؛ ۵- ذخایر<sup>۳۹</sup>.

بازتعیین سهم مشارکت قطعه و ضوابط ناظر بر درخواست و اجرای آن نیز در ماده ۵ مورد بررسی قرار می‌گیرد. بند ۴ ماده ۵ در این خصوص عنوان می‌دارد: «مشارکت‌های

35. Gross Rock Volume.

36. Hydrocarbon Pore Volumes.

37. Original Hydrocarbons in Place.

38. Moveable Hydrocarbon Volume.

39. Reserves.

قطعه نشان داده شده در پیوست «الف»، مطابق با بندهای ۵، ۶ و ۷ از ماده ۵ مورد بازتعیین قرار می‌گیرند. از آنجا که تعیین سهم مشارکت‌های قطعه بر مبنای داده‌های موجود در زمان خود صورت گرفته است، بازتعیین ذکر شده در بند ۵ جهت به‌روزرسانی سهم مشارکت قطعه با داده‌های جدید و کامل انجام می‌گیرد. این ماده در ادامه به ترتیبی اشاره می‌کند که تعدیلات ناشی از بازتعیین را بر هزینه‌های پرداخت شده و نیز تولیدات و منافع دریافتی از سوی هر قطعه دربر دارد.

قرارداد «UUOA»، یک سند مرکب از قرارداد یکپارچه‌سازی (UA) و قرارداد عملیات یکپارچه (UOA) است. ماده‌های ۴ و ۵ با بندهای یاد شده از قرارداد نمونه مطابق آنچه گذشت ناظر بر جنبه‌های حقوقی یکپارچه‌سازی بوده است. سایر مفاد قرارداد نمونه مربوط به بخش عملیات یکپارچه و نحوه اعمال مدیریت طرفین و انتصاب اپراتور یکپارچه و نظایر آن است که به‌طور اجمالی می‌توان گفت طرفین با انتصاب یک اپراتور از میان خود یا ثالث، تمامی فعالیت‌های عملیاتی در محدوده ناحیه یکپارچه را به وی می‌سپارند و با شیوه‌های مقرر در قرارداد، بر روند فعالیت وی نظارت می‌کنند. مواد و بندهای ناظر بر این بخش از قرارداد- که اکثر حجم قرارداد را به خود اختصاص می‌دهد- مشابهت بسیار زیادی با قراردادهای عملیات مشترک<sup>۴۰</sup> (JOA) دارد.<sup>۴۱</sup>

مطابق آنچه گذشت، به‌نظر می‌رسد این قرارداد را می‌بایست در دسته قراردادهای مشارکتی جای داد. آنچه طرفین در این قرارداد به‌دست می‌آورند، ترک رقابتی زیان‌بار و مبادرت به همکاری سازنده برای سود بیشتر است. در این راستا مطابق با مفاد مورد اشاره از قرارداد نمونه، هریک از شرکا به‌نوبه خود حقوقی را که از قراردادهای جداگانه با کارفرما ناشی می‌شود، به‌عنوان آورده خود با طرف دیگر به اشتراک می‌گذارد (بند ۱ ماده ۴). آنها فعالیت‌های جداگانه خویش را در قطعات اختصاصی متوقف و با تلفیق قطعات و ایجاد ناحیه

40. Joint operating agreement.

۴۱. عبدالحسین، شیروی، پیشین، ص ۳۷۷.

برای مطالعه مشابهت‌های موجود و مقایسه مفاد عمومی JOAs با UOAs، ر.ک.

جابر، هوشمند کوچی، موافقتنامه‌های عملیات مشترک با نگاهی به قراردادهای بالادستی نفتی در ایران، (تهران: کتابراه، ج ۱، ۱۳۹۷)، صص ۱۹۱-۲۰۳.



یکپارچه و نیز انتخاب یک اپراتور، عملیات ناحیه یکپارچه را به وی به‌عنوان نماینده دو طرف واگذار می‌کنند. در این مشارکت، سهمی به هر طرف اختصاص داده می‌شود که مبنای تخصیص درصد مشارکت وی در منافع و عواید مشاع حاصل از عملیات ناحیه یکپارچه است (بند ۲ ماده ۴). ضمن آنکه هر طرف به همین نسبت در هزینه‌ها سهیم است (جزء «ب» از بند ۳ ماده ۴).

در حقوق قراردادهای ایران، شرکت به معنی خاص خود یکی از عقود معین است که همراه با اشاعه در حق مالکیت ایجاد می‌شود<sup>۴۲</sup>. از آنجا که انتقال مالکیت در قراردادهای نفتی ایران از جانب شرکت ملی نفت به پیمانکار امکان‌پذیر نیست<sup>۴۳</sup>، طبیعتاً آنچه از سوی پیمانکاران در قرارداد یکپارچه‌سازی و عملیات یکپارچه (UUOA) به اشتراک گذاشته می‌شود، نمی‌تواند دربردارنده حق مالکیت باشد. بنابراین تطبیق این قرارداد با عقد شرکت از این جهت منتفی است. با این حال، عدم انطباق این قرارداد با عقد شرکت الزاماً به معنای عدم اعتبار از منظر حقوق قراردادهای نیست. شرکت به مفهوم وسیع‌تر شامل عقود می‌شود که در آن نوعی اتحاد برای رسیدن به سود یا ثمره مشترک وجود دارد. خواه آنچه که جهت اتحاد به میان می‌نهند مال معین باشد، یا طلب و اعتبار و کار یا مخلوطی از آنها<sup>۴۴</sup> از آن جمله در عقود مانند مضاربه، جعاله‌ای که در آن جعل حصه مشاعی از نتیجه مطلوب جاعل است، مزارعه، مساقات، و نظایر آن، اتحاد طرفین شکل می‌گیرد تا منفعت اقتصادی هر دو طرف برای رسیدن به سود مشترک و سپس تقسیم آن بر اساس حصه از پیش تعیین شده، محقق گردد. در هریک از این مشارکت‌ها، آورده طرفین (یا یکی از ایشان) لزوماً همانند عقد شرکت، مال یا حق مالکیت نیست، بلکه فعالیت‌هایی مانند زراعت، باغبانی، بازرگانی و مانند اینهاست، اما درنهایت عوض مال یا کاری که در این اتحاد نهاده شده، سود

۴۲. ناصر، کاتوزیان، عقود معین، ج ۲، (تهران: گنج دانش، چ ۱۴، ۱۳۹۶)، ص ۱۱.

۴۳. در ماده ۷ از قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱ مقرر شده است که شرایط عمومی قراردادهای نفتی با پیشنهاد وزیر نفت به تصویب هیئت وزیران برسد. جزء ۳ بند «ت» ماده ۳ این قانون، عدم انتقال مالکیت نفت داخل مخازن را به‌عنوان شرطی برای طراحی الگوهای قراردادی از جمله قراردادهای مشارکت با سرمایه‌گذاران و پیمانکاران داخلی و خارجی لازم دانسته است.

۴۴. ناصر، کاتوزیان، پیشین، صص ۱۱ و ۱۲.

مشترکی است که ظن ایجاد آن وجود دارد.<sup>۴۵</sup> از این رو، بنا داریم در قالب مشارکتی «UUOA» نیز ابتدا ماهیت آورده طرفین و امکان اشتراک‌گذاری و یکپارچه نمودن آن را مطابق با بند ۱ ماده ۴ قرارداد نمونه، از منظر حقوق قراردادهای ایران مورد بررسی قرار دهیم، سپس ایجاد اشاعه در سودی که طرفین انتظار آن را می‌کشند ارزیابی گردد و پس از آن، جوانب مربوط به تعیین حصه مشخص به‌عنوان شرط صحت عقود مشارکتی در این قرارداد مورد بررسی واقع شود.

## ۵.۲. یکپارچه‌سازی حقوق پیمانکاران از منظر حقوق قراردادها

یک بند معمول و متعارف در عموم قراردادهای یکپارچه‌سازی به صورت زیر است:

«تمام حقوق و منافع طرفین دارای مجوز به‌موجب این سند و مطابق با شروط این قرارداد تا آنجا که این حقوق و منافع به ناحیه یکپارچه‌سازی مربوط باشد، یکپارچه‌سازی می‌شوند و هریک از طرفین به نسبت سهم مشارکت ناحیه خود از کل مخزن، مالک اموال و منافع ناحیه یکپارچه و نفت حاصله به صورت مشاع می‌باشد»<sup>۴۶</sup>.

بند ۱ ماده ۴ قرارداد نمونه نیز همان‌طور که قبلاً گفته شد حقوق و منافع طرفین تحت قراردادهای بالادستی هریک از پیمانکاران با کارفرما را تا آنجایی که به بازه یکپارچه مربوط شوند، مورد یکپارچه‌سازی قرار می‌دهد.

حقوقی که در مدل‌های مختلف قراردادهای بالادستی برای پیمانکار به‌وجود می‌آید، بسته به نوع قرارداد و شرایط آن متفاوت است. به‌طور مثال ممکن است در برخی از انواع قراردادهای امتیازی یا مشارکت در تولید، پیمانکار نسبت به درصد مشخصی از نفت و گاز تولیدی حق مالکیت پیدا کند. یکپارچه نمودن و اشتراک‌گذاری حقوق یادشده طی قراردادهای یکپارچه‌سازی میان پیمانکاران نواحی همجوار، موجبات تحقق این قالب مشارکتی را فراهم می‌آورد، اما در نظام حقوق نفت و گاز ایران، همان‌طور که بیان شد، چنین حقوقی برای پیمانکاران متصور نیست.

۴۵. پیشین، ص ۱۱

44. W English, "Unitisation Agreements" in MR David, *Upstream Oil and Gas Agreements*, (London: Sweet & Maxwell Ltd, 1996), p. 97.

ساختار قراردادهای خدمت ریسک‌پذیر- که قراردادهای نفتی ایران نیز تحت آن عنوان قرار می‌گیرند- به این شکل است که پیمانکار مشروط بر استخراج نفت به میزان تجاری و تحویل آن به کارفرما، مستحق دریافت هزینه‌ها و حق الزحمه مشخص است. به بیان دیگر اثر این مدل از قراردادهای ایجاد نوعی حق دینی برای پیمانکار است.<sup>۴۷</sup> اما به اشتراک گذاشتن چنین حقی مقدور نیست، زیرا این حق دینی بعد از تولید نفت و تحویل آن به کارفرما ایجاد می‌شود. حتی اگر صرف ایجاد زمینه این حق را نیز برای به اشتراک گذاشتن آن کافی بدانیم باز هم این امکان وجود ندارد؛ چراکه در مواردی که تجاری بودن میدان در زمان مذاکرات یکپارچه‌سازی ثابت نشده، زمینه ایجاد چنین حقی نیز محل تردید است. بنابراین، نمی‌توان در یکپارچه‌سازی‌های پیش از تولید، این حق را به‌عنوان آورده طرفین تلقی و به اشتراک گذاشت.

از سوی دیگر در خصوص حق پیمانکار نسبت به اراضی ناحیه قراردادی همواره در قراردادهای نفتی این تردید وجود دارد که ماهیت حق شرکت سرمایه‌گذار خارجی نسبت به منطقه عملیاتی به چه صورت تحلیل خواهد شد. این امر مسلم است که «حق انحصاری» جهت عملیات اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری به‌عنوان یکی از حقوق مشخص در تمام قراردادهای نفتی مورد قبول نظام‌های حقوقی قرار گرفته است.<sup>۴۸</sup> حق انحصاری پیش‌گفته این امکان را برای پیمانکار فراهم می‌کند تا از اعمال مادی و حقوقی مخمل عملیات موضوع قرارداد از جمله مزاحمت و معاملات معارض از سوی کارفرما و اشخاص ثالث در طول مدت قرارداد ممانعت به‌عمل آورد.

ماهیت این حق با عنایت به روح حاکم بر قراردادهای خرید خدمت، یعنی دریافت خدمات در ازای پرداخت حق الزحمه، قابل تشخیص است. برخلاف قالب‌های امتیازی و احیاناً برخی مشارکت‌ها، در قراردادهای خرید خدمت برای پیمانکار حقی نسبت به عین اموال منقول و غیرمنقول کارفرما- که برای پیشبرد اهداف پروژه موقتاً در اختیار شرکت پیمانکار قرار گرفته است- نمی‌توان متصور شد و صرفاً می‌بایست آن را اباحه در تصرف

۴۷. مسعود، امانی، حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت، (تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، چ ۱، ۱۳۹۳)، ص ۱۱۲.

۴۸. فرهاد، ایران‌پور، «مالکیت و مفهوم آن در قراردادهای نفتی»، فصلنامه حقوق، ش ۱ (۱۳۸۹)، ص ۵۸.

دانست. بنابراین حق انحصاری یادشده قابل تسری به عیون نبوده، باید آن را یک حق دینی با ماهیت منفی<sup>۴۹</sup> قلمداد نمود؛ به این معنی که شرکت خارجی می‌تواند دولت میزبان را از انجام عملیات منافی با این حق منع نماید.<sup>۵۰</sup>

وصف مالی و ارزش اقتصادی این حق در مقام به‌اشتراک نهاده‌شدن در فرایند یکپارچه‌سازی بیش از پیش نمایان می‌شود. پیمانکاران دو ناحیه قراردادی همجوار که از وجود یک منبع نفتی گسترش یافته در ذیل هر دو ناحیه مطلع شده‌اند، علاقه‌مند هستند تا از حق انحصاری طرف دیگر نسبت به انجام عملیات لازم برای استخراج نفت در بخشی از ناحیه قراردادی طرف مقابل که بر فراز مخزن مشترک قرار دارد، بهره‌مند شوند. تأیید طرح یکپارچه‌سازی از سوی کارفرما منع قراردادی<sup>۵۱</sup> انتقال این حق را مرتفع می‌سازد و پیمانکاران این حقوق را به‌عنوان آورده قراردادی طی مفاد قرارداد یکپارچه‌سازی - به‌طور مثال با مضمونی شبیه به بند ۲ از ماده ۴ قرارداد نمونه «AIPN» - با یکدیگر به‌اشتراک می‌گذارند و در این رهگذر، حق انحصاری هریک از ایشان در قطعات اختصاصی خویش تبدیل به یک حق مشترک در ناحیه یکپارچه می‌شود.

### ۵.۳. ایجاد اشاعه در منافع قراردادی

اشاعه ممکن است در عین، منفعت و یا در حق باشد<sup>۵۲</sup>. همان‌طور که گذشت، در قراردادهای نفتی ایران به‌عنوان نمونه‌ای از دسته قراردادهای خدماتی ریسک‌پذیر، پیمانکار یک حق دینی مشروط به استخراج تجاری به‌دست می‌آورد. به بیان دیگر، دستمزد پیمانکار با ترتیبات مقرر در قرارداد پس از تولید تجاری بر پایه قیمت روز فروش محصول لازم‌الاداء می‌شود<sup>۵۳</sup>. تولید نفت علاوه بر اینکه شرط قطعیت یافتن این حق دینی است، ملاک تعیین

۴۹. موضوع حق دینی ممکن است خودداری از انجام دادن کاری باشد. بر این اساس، مدیون تعهد می‌کند که از انجام دادن کار معینی اجتناب نماید. نک: ناصر، کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، (تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۴۲، ۱۳۸۳)، ص ۲۶۰.

۵۰. فرهاد، ایران‌پور، پیشین، ص ۶۱.

۵۱. قاعده عدم امکان انتقال حقوق و تعهدات قراردادی بصورت کلی و جزئی بدون رضایت کارفرما، به‌عنوان یکی از شروط در انواع قراردادهای نفتی متداول است. نک: عبدالحسین، شیروی، پیشین، ص ۴۹۲.

۵۲. ناصر، کاتوزیان، درسهای از عقود معین، (تهران: گنج دانش، چ ۶، ۱۳۸۳)، ص ۲۹۵.

۵۳. بند «پ» ماده ۶ تصویب‌نامه شماره ۵۷۲۲۵/ت/۵۳۳۶۷ مورخ ۱۳۹۵/۵/۱۶ تحت عنوان «شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی ایران».

گمی آن نیز می‌باشد؛ چراکه همان‌طور که قبلاً گفته شد، یکی از ویژگی‌های قراردادهای نفتی ایران برقراری نسبت مستقیم میان افزایش دستمزد با ازدیاد سطح تولید است.<sup>۵۴</sup> بر همین اساس، نفتی که از چاه‌های ناحیه یکپارچه تولید می‌شود - بدون توجه به اینکه چاه در ناحیه قراردادی کدام‌یک از پیمانکاران است - ملاک تعیین کمیّت حق دینی مشترک پیمانکارانی است که طی قرارداد یکپارچه‌سازی، حقوقشان را در این نواحی به اشتراک گذاشته‌اند. تقسیم این حق مشاع بر مبنای حصه‌ای است که طرفین از قبل نسبت به آن توافق کرده‌اند. برای مثال، اگر طی یک دوره، یک میلیون بشکه نفت از ناحیه یکپارچه استخراج شود و سهم مشارکت قطعاً یکی از شرکت‌های پیمانکار ۴۰ درصد باشد، چهارصد هزار بشکه از نفت تولیدی مبنای محاسبه دستمزد این پیمانکار با ترتیبات مقرر در قرارداد اختصاصی‌اش با کارفرما خواهد بود؛ حتی اگر تمام این یک میلیون بشکه از چاه‌هایی تولید شده باشد که محل حفاری آنها - در صورت عدم یکپارچه‌سازی - در ناحیه پیمانکار دیگر قرار می‌گرفت. تعلق جزء جزء این حق دینی از حیث ایجاد و محاسبه کمیّت به همه پیمانکاران، منطبق بر مفهوم اشاعه در حقوق قراردادهاست.

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که یکپارچه‌سازی، ایجاد شرکت در حق دینی (دستمزد) حاصل از عملیات استخراج نفت از ناحیه یکپارچه را برای پیمانکاران به‌همراه دارد. از آنجا که این دستمزد از سوی کارفرما به حساب مشترک ناحیه یکپارچه واریز نمی‌شود، بلکه به نسبت سهم مشارکت هریک از قطعات و بر اساس ترتیبات قراردادی جداگانه هریک از پیمانکاران با کارفرما مستقیماً و به‌طور مجزا به حساب ایشان پرداخت می‌شود؛ بنابراین شرکت در حق دینی یادشده هیچ‌گاه تبدیل به شرکت در حق عینی نسبت به دستمزد نمی‌شود، بلکه تقسیم در حالت دینی اتفاق می‌افتد.<sup>۵۵</sup>

۵۴. پیشین، بند «ب» ماده ۶

۵۵. البته شایان ذکر است به دلالت بند «پ» از ماده ۳ شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی ایران، شرکت ملی نفت به‌عنوان کارفرما می‌تواند به تشخیص خود به‌جای پرداخت نقدی، معادل آن را از محصول تولیدی از مخزن به پیمانکار پرداخت نماید.

#### ۵.۴. تعیین سهم مشارکت قطعه

در حقوق قراردادهای ایران موادی از قانون مدنی که ناظر بر تعیین حصه مشاع هریک از طرفین در عقود مشارکتی است، جنبه مشترک دیگری از این قراردادها را نمایش می‌دهد.<sup>۵۶</sup> همان‌طور که بیان شد برقراری اتحاد برای رسیدن به سود محتمل مشاع، مشخصه تمام قراردادهای مشارکتی است. روال معمول در قراردادهای یکپارچه‌سازی هم به همین ترتیب است؛ ضمن اینکه تأمین هزینه‌های عملیات ناحیه یکپارچه نیز به‌عنوان یک تعهد قراردادی به نسبت سهم مشارکت قطعه برعهده پیمانکاران قرار دارد. به دلالت بند ۲ از ماده ۴ قرارداد نمونه «AIPN» سهم مشارکت قطعه، ملاک تعیین نسبت تولیدات اختصاص یافته به هر قطعه و همین‌طور ملاک تعیین نسبت مشارکت در هزینه‌های عملیاتی است. اما مقوله‌ای که می‌تواند محل بحث و سنجش اعتبار از منظر حقوق قراردادهای ایران قرار بگیرد، نحوه تعیین سهم مشارکت قطعه در قراردادهای یکپارچه‌سازی است.

نخست لازم است بدانیم که برخلاف قراردادهای عملیات مشترک (JOA) و قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری<sup>۵۷</sup> که از ابتدا طرفین نسبت به سهم مشخص و ثابتی به‌عنوان درصد مشارکت در هزینه‌ها و عواید توافق می‌کنند، در قرارداد یکپارچه‌سازی و عملیات یکپارچه (UUAO) یک فرمول ریاضی تحت عنوان فرمول تخصیص<sup>۵۸</sup> سهم مشارکت قطعه را در تخصیص تولیدات و هزینه‌ها مشخص می‌نماید.

روشن شدن علت این تفاوت خاص در نحوه تعیین سهم مشارکت طرف‌های قراردادی در مقایسه با انواع مشارکت‌های دیگر در گرو توجه به این نکته است که در یکپارچه‌سازی، هیدروکربن‌های نهفته در اعماق هر قطعه هستند که ارزش اقتصادی آن قطعه را در پیوستن به ناحیه یکپارچه مشخص می‌سازند.<sup>۵۹</sup> نسبت این ارزش اقتصادی به کل ناحیه یکپارچه

۵۶. مواد ۵۱۹، ۵۴۳ و ۵۴۸ قانون مدنی در باب تعیین سهم طرفین به صورت حصه مشاع معین از ثمره و سود در مزارعه، مساقات و مضاربه است.

57. Joint Venture.

58. Allocation Formula.

۵۹. اتصال ملاک تعیین دستمزد پیمانکار به هیدروکربن تولیدی در نظام مالی قرارداد «IPC» و قراردادهای نفتی نظیر آن همان‌طور که ذیل عنوان «انگیزش ازدیاد برداشت در قراردادهای نفتی ایران» در این مقاله تشریح گردید، مبنای این ارزش‌گذاری را در تعیین ارزش هر قطعه از کل ناحیه یکپارچه و به تبع آن، تعیین سهم مشارکت طرفین به‌خوبی توجیه می‌کند.

مشخص‌کننده سهم مشارکت پیمانکار آن از حقوق و تعهدات است. در این خصوص، انواع گسترده‌ای از روش‌های تخمین کمیت هیدروکربن موجود در مخزن می‌تواند به‌عنوان مبنای مورد توافق طرفین و بهره‌گیری جهت طراحی فرمول تخصیص مورد استفاده قرار گیرد.<sup>۶۰</sup>

متغیرها یا عوامل مؤثر برگرفته از مبنای توافق شده برای تعیین ارزش اقتصادی قطعه در فرمول تخصیص گنجانده می‌شود. کارکرد بهینه فرمول تخصیص در گرو این است که متغیرهای آن با اطلاعات و داده‌های دقیقی بارگذاری شوند. تمامی این داده‌های زمین‌شناسی، فیزیکی و اقتصادی از سوی دست‌اندرکاران از میدان نفتی جمع‌آوری خواهد شد.<sup>۶۱</sup>

یکپارچه‌سازی عمدتاً در مقطعی اتفاق می‌افتد که اطلاعات به‌دست آمده از مخزن و ذخایر آن در مقایسه با مراحل نهایی توسعه و تولید از عدم قطعیت بالایی برخوردار باشد. بنابراین، اطلاعات مربوط به مخزن در این مرحله محدود است، حتی در مواردی که پیشرفت مقدماتی قابل توجهی وجود داشته باشد باز هم پیش‌بینی رفتار مخزن در آینده دشوار است و به بسیاری از متغیرها بستگی دارد که هرکدام ممکن است سهم متناسب با هر قطعه را تغییر دهند.<sup>۶۲</sup>

شرکا در امر تعیین سهم مشارکت قطعه چاره‌ای ندارند جز آنکه تا اندازه‌ای از حدس و گمان استفاده کنند. زیرا آنها در اصل با داده‌های به نسبت اندکی - که در آینده با هر نوع اکتشاف یا اقدامات ارزیابی بعدی افزایش پیدا می‌کند - سروکار دارند. این امر سبب می‌شود تا خروجی فرمول تخصیص با آنچه طرفین به‌عنوان ارزش اقتصادی واقعی یا همان مبنای تعیین سهم خود در نظر داشته‌اند، فاصله داشته باشد.

شرطی که موجب جهل به عوضین شود، مطابق ماده ۲۳۳ قانون مدنی موجب بطلان عقد می‌شود. حال این سؤال می‌تواند مطرح باشد که آیا شرطی مطابق با آنچه شرح داده

۶۰. نمونه‌های رایجی از مبنای ارزش‌گذاری قطعات یا همان ملاک‌های تعیین سهم مشارکت قطعه وجود دارد که از آن میان به پنج مبنای متداول‌تر در بند ۵ از ماده ۵ قرارداد نمونه اشاره شده است (نک: پاورقی‌های ۳۳ تا ۳۷)

61. Wiginton, Gideon. *op.cit.* p.1816.

62. Bruce M. Kramer & Patrick H. Martin, *op.cit.* p. 916.

شد، موجبات ابهام و جهل نسبت به سهم طرفین را فراهم نمی‌کند؟

برای پاسخگویی دقیق به این پرسش لازم است فرایند تعیین سهم مشارکت طرفین را در این نوع خاص از قراردادها دقیق‌تر مورد بررسی قرار دهیم. همان‌طور که گفته شد طرفین در آغاز امر چاره‌ای جز استفاده از داده‌های غیرقطعی برای بارگذاری در فرمول تخصیص ندارند. طبیعتاً اگر نتیجه حاصل از محاسبه این داده‌ها را به صورت مقطوع برای تعیین حصه میان خود مورد توافق قرار دهند، غرری حادث نخواهد شد؛ زیرا با قطعیت توافق، دیگر تغییری در میزان سهام رخ نخواهد داد، اما مقصود طرفین که همانا متابعت سهم قطعه از ارزش اقتصادی واقعی آن است نیز حاصل نمی‌شود. به همین جهت وجود شرطی دیگر در قرارداد به نام بازتعیین سهم مشارکت قطعه<sup>۶۳</sup> این امکان را برای طرفین فراهم می‌سازد تا با کامل‌تر شدن اطلاعات، نسبت به بازنگری در حصه تعیین‌شده اقدام نمایند. بنابراین تعیین ابتدایی صرفاً به صورت یک تخمین حدودی برای تأمین هزینه‌های لازم برای پیشبرد پروژه و تخصیص علی‌الحساب تولیدات ضرورت دارد، اما طرفین می‌دانند که متعاقباً با تکمیل داده‌ها، سهم مشارکت ایشان طی فرایند بازتعیین واقعی‌تر می‌شود و قطعیت می‌یابد؛ چراکه محاسبه مقادیر هیدروکربن‌های مربوط به قطعه زمانی برآورد مناسبی خواهد داشت که این مواد در واقع در حال تولید باشند<sup>۶۴</sup>. البته از نظر حقوقی بازتعیین در صورتی می‌تواند نفی غرر نماید که اثر عطف به‌ماسبق شونده داشته باشد و تخصیصات قبلی را به نحوی تعدیل نماید که گویا از ابتدا طرفین با دسترسی به اطلاعات دقیق از مخزن، بر اساس ارزش واقعی قطعه نسبت به تعیین سهم مشارکت قطعات توافق نموده‌اند. نفی غرر در این حالت، ناشی از کفایت قابلیت تعیین سهم در آینده با ارجاع به یک ضابطه عینی و ثابت است<sup>۶۵</sup>. بنابراین شروط تعیین و بازتعیین سهم مشارکت قطعه را نمی‌توان از

63. Redetermination of Tract Participation.

64. Eduardo G, Pereira and Giulia Carloni, *op.cit.* pp. 43-60.

۶۵ بحث پیرامون موضوعاتی مانند «کفایت قابل تعیین بودن مورد معامله در آینده برای اعلام صحت قراردادها» و «امکان تعیین ضابطه عینی برای تعیین مقدار عوضین قراردادی»، خارج از محدوده ظرفیت این مقاله است. لکن پذیرش همان رویکردی که در قرارداد «IPC» میزان دستمزد پیمانکار را (در حین انعقاد قرارداد) غیرمقطوع و منوط به ضابطه عینی میزان نفت استخراج‌شده (در زمان تأدیه) قرار داده است، در تعیین سهم پیمانکاران در قراردادهای یکپارچه‌سازی نیز قابلیت اعمال دارد. بر این اساس، ضابطه تعیین سهم پیمانکاران، نسبت میزان هیدروکربن موجود در اعماق قطعات هریک از ایشان به کل ناحیه یکپارچه است و سنجش دقیق آن نه در زمان انعقاد قرارداد، بلکه در مرحله تولید امکان‌پذیر است.



منظر حقوق قراردادهای ایران به‌عنوان شروط مجهول و موجب تسری جهل به عوضین دانست.

ماده ۵ قرارداد نمونه «AIPN»، همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد، به شروط قراردادی مربوط به تعیین و بازتعیین سهم مشارکت پیمانکاران اختصاص دارد. فارغ از جزئیات مفصلی که از نظر فنی و محاسباتی در بندهای ذیل ماده یادشده و پیوست‌های قرارداد وجود دارد، کارکرد این دو شرط منطبق بر فرایندی بود که به آن اشاره شد و به صورت معمول در تمامی قراردادهای یکپارچه‌سازی وجود دارد.

### نتیجه

تحلیل نوآوری‌های قراردادهای جدید نفتی ایران (IPC) امکان ایجاد رقابت در برداشت از مخزن مشترک را برای پیمانکاران نواحی همجوار روشن نمود. پیش‌بینی چند شرط در قرارداد (IPC) مبنی بر لزوم مبادرت پیمانکاران به یکپارچه‌سازی در صورت اشتراک مخزن نیز لزوم تدوین شرایط عمومی ناظر بر آن را با رعایت رویه استاندارد بین‌المللی و الزامات حقوق ایران آشکار می‌سازد.

رویه‌های بین‌المللی جمع‌آوری شده از سوی انجمن بین‌المللی مذاکره‌کنندگان نفتی در قالب یک نمونه قرارداد با عنوان یکپارچه‌سازی و عملیات یکپارچه در سال ۲۰۰۶ منتشر شد که ظرفیت‌های وسیع و منعطفی برای سازگاری با حقوق ملی کشورهای مختلف دارد. لکن به جهت امکان‌سنجی بهره‌گیری از این نمونه قرارداد استاندارد در حقوق ایران، با تحلیل مفاد و شروط تعیین‌کننده ساختار حقوقی این قرارداد از منظر حقوق ایران، نتایج زیر حاصل شد:

۱. یکپارچه شدن حقوق پیمانکاران مطابق با بند ۱ ماده ۴ قرارداد نمونه هم‌زمان با امضای قرارداد امکان‌پذیر است. این حق صرفاً حق انحصاری هر پیمانکار نسبت به انجام

برای مطالعه بیشتر در خصوص کفایت قابلیت تعیین مورد معامله، نک:

- سید حسین صفایی، «نگاهی دیگر به ضابطه کفایت علم اجمالی در مورد معامله»، تحقیقات حقوقی، ش ۵۹ (پاییز ۱۳۹۱)، صص ۶۱-۴۱

- محمدحسن صادقی مقدم و حامد صالحی علی‌آبادی، «بررسی تطبیقی کفایت قابلیت تعیین مورد معامله در حقوق ایران، مصر و کامن‌لا»، حقوق خصوصی، ش ۶۰ (بهار ۱۳۸۹)، صص ۶۳-۸۶

عملیات اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری است که قبلاً از رهگذر قرارداد اصلی بالادستی برای پیمانکار ایجاد شده بود. منع انتقال حقوق قراردادی در قراردادهای بالادستی نیز در این خصوص با تأیید قرارداد یکپارچه‌سازی از سوی کارفرما مرتفع می‌شود.

۲. اتحاد برای دستیابی به منفعت مشاع، یکی از ویژگی‌های عقود مشارکتی است. کارکرد قراردادهای یکپارچه‌سازی نیز تحقق شرکت نسبت به عایدات ناحیه یکپارچه میان پیمانکاران است. از آنجا که در «IPC» برای پیمانکار دستمزدی به ازای استخراج هر بشکه نفت یا هر هزار فوت مکعب گاز در نظر گرفته می‌شود، انعقاد قرارداد یکپارچه‌سازی موجب تحقق شرکت میان پیمانکاران نسبت به حق دینی ناشی از برداشت نفت از ناحیه یکپارچه می‌گردد. بنابراین حکم بند ۱ ماده ۴ قرارداد نمونه در خصوص ایجاد یکپارچگی میان منافع پیمانکاران از این نگاه در حقوق قراردادهای ایران پذیرفته است و در واقع این قرارداد به‌عنوان یک قرارداد مشارکتی محسوب می‌شود.

۳. شروط تعیین و بازتعیین سهم مشارکت قطعه (موضوع ماده ۵ قرارداد نمونه AIPN)، همان‌طور که مورد تحلیل قرار گرفت، موجبات نامعین و مجهول ماندن حصة مشاع طرفین را فراهم نمی‌آورد، بلکه این دو شرط در کنار هم فرایندی را مشخص می‌کنند که طی آن طرفین با قبول یک حصة علی‌الحساب، تعهدات خود را ایفا می‌کنند و سپس با تکمیل اطلاعات و بارگذاری در فرمول تخصیص، سهم هریک به صورت قطعی با ارجاع به ضوابط عینی مشخص می‌شود.

آنچه که از منظر حقوق قراردادهای ایران برای صحت این شرط و رفع غرر ضروری به نظر می‌رسد، تصریح به قابلیت عطف به‌ماسبق شوندگی اثر بازتعیین است تا ارجاع به ضوابط عینی (میزان هیدروکربن نهفته در اعماق هریک از قطعات) بتواند ایفای تعهدات علی‌الحساب سابق در پرداخت هزینه‌ها را به‌نحوی تعدیل نماید که انگار طرفین از ابتدا نسبت به کمیت متغیرهای ضوابط عینی علم داشته و بر اساس آن به صورت قطعی نسبت به تعیین حصة خویش از حقوق و تعهدات توافق نموده‌اند.

بنابراین با رعایت موارد یادشده، می‌توان گفت که نمونه قرارداد یکپارچه‌سازی و عملیات یکپارچه تعرفه‌شده از سوی انجمن مذاکره‌کنندگان نفتی، انطباق لازم را با قواعد امری حقوق ایران داراست.

## منابع و مأخذ

## الف) فارسی

## - کتابها

۱. امانی، مسعود، *حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت*، (تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چ ۱، ۱۳۹۳).
۲. شیروی، عبدالحسین، *حقوق نفت و گاز*، (تهران: نشر میزان، چ ۱، ۱۳۹۳).
۳. کاتوزیان، ناصر، *عقود معین «مشارکتها، صلح»*، (تهران: گنج دانش، چ ۱۴، ۱۳۹۶).
۴. کاتوزیان، ناصر، *مقدمه علم حقوق*، (تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۴۲، ۱۳۸۳).
۵. کاتوزیان، ناصر، *درسهایی از عقود معین*، (تهران: گنج دانش، چ ۶، ۱۳۸۳).
۶. هوشمند کوچی، جابر، *موافقتنامه‌های علیات مشترک با نگاهی به قراردادهای بالادستی نفتی در ایران*، (تهران: کتابراه، چ ۱، ۱۳۹۷).

## - مقالات

۷. ایران‌پور، فرهاد، «مالکیت و مفهوم آن در قراردادهای نفتی»، *فصلنامه حقوق*، ش ۱ (۱۳۸۹).
۸. صادقی مقدم، محمدحسن و صالحی علی‌آبادی، حامد، «بررسی تطبیقی کفایت قابلیت تعیین مورد معامله در حقوق ایران، مصر و کامن‌لا»، *حقوق خصوصی*، ش ۶۰ (۱۳۸۹).
۹. صفایی، سید حسین، «نگاهی دیگر به ضابطه کفایت علم اجمالی در مورد معامله»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۵۹ (۱۳۹۱).
۱۰. کاشانی، جواد و قلی‌زاده، توحید، «یکپارچه‌سازی منابع مشترک نفت و گاز در الگوی جدید قراردادهای نفتی ایران»، *پژوهش حقوق خصوصی*، ش ۲۳ (۱۳۹۷).

## - سایر

۱۱. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، مورخ ۱۹ مرداد ۱۳۹۵.

ب) انگلیسی

**- Books**

12. English W. "Unitisation Agreements" in *Upstream Oil and Gas Agreements*, London: Sweet & Maxwell Ltd. (1996).
13. John S. Lowe. *Oil and Gas Law in a Nutshell*, 6th Edition, Kindle Edition, Minnesota: West Academic Publishing. (2014).
14. Kramer Bruce M. & Martin Patrick H., *The Law of Pooling and Unitization*, California: LexisNexis, Matthew Bender. (2017).
15. Pereira Eduardo G. & Carloni Giulia, *Understanding Joint Operating Agreements*, Cambridge: Intersentia. (2016).

**- Articles**

16. Amui Sandoval & Melo Marianne L. R., "Unitization of Oil and Gas Reservoirs", *AIPN Advisor*, No. 231. (2003).
17. David M, Ong., "Joint Development of Common Offshore Oil and Gas Deposits: 'Mere' State Practice or Customary International Law?" *The American Journal of International Law*, Vol. 93, No. 4. (1999).
18. Gideon Wiginton, "Addressing Perceptions of Procedural Unfairness in Compulsory Unitization by Appointing Neutral Experts", *American University Law Review*, Vol. 55, No. 6. (2006).
19. Libecap Gary D. and Wiggins Steven N., "The Influence of Private Contractual Failure on Regulation: The Case of Oil Field Unitization", *Journal of Political Economy* Vol. 93, No. 4. (1985)
20. Weaver Jacqueline & Asmus David, "Unitizing Oil and Gas Fields Around the World: A Comparative Analysis of National Laws and Private Contracts", *Houston Journal of International Law*, Vol. 28, No. 3. (2006).

**- Thesis**

21. Macdonald ST., *An analysis of the efficacy of the Texas and Oklahoma Unitization Statutes* [DISSERTATION]. for the Degree of Ph.D in Political Economy, Dallas: The University of Texas. (2000).

**- Documents**

22. AIPN - Association of International Petroleum Negotiators, "Model Form International Unitization and Unit Operating agreement", Houston. (2006).
23. AIPN - Association of International Petroleum Negotiators, "Guidance Notes to AIPN Model Form International Unitization and Unit Operating Agreement", Houston. (2006)

**- Legal Case**

24. Westmoreland & Cambria Natural Gas Co. v. De Witt, 18 A. 724, 725 (Pa. 1889).